

بررسی مبانی و سازوکارهای فقهی تولید و اشتغال با تأکید بر اقتصاد دانش بنیان

کمال محمد بیگی^۱

فائزه مقتدایی^۲

یونس واحد یاریجان^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۳۰

چکیده

اشتغال و تولید از عناصر اصلی اقتصاد هر کشور است که تقویت آن، رونق و توسعه اقتصادی را به دنبال دارد. در این مقاله تلاش شده به بررسی مبانی و سازوکارهای فقهی تولید و اشتغال با تأکید بر اقتصادی دانش بنیان پرداخته شود. مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده و اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که در اسلام به صورت مستقیم به تولید و اشتغال اشاره نشده است اما از آیات و روایات متعدد می‌توان، اهمیت تولید و اشتغال را استنباط کرد. به عبارتی در آیات و روایات دلالت‌های متعددی مبانی بر تولید و اشتغال در راستای ایجاد رفاه و مبارزه با فقر قابل استنباط است. از این منظر، بهره‌گیری از منابع طبیعی (زمین) نیروی کار و مدیریت انسانی مهمترین سازوکارهای فقهی تولید و اشتغال است. همچنین تولید و به‌کارگیری دانش، استفاده از نیروی متخصص، کار مضاعف، مدیریت صحیح منابع، جهاد اقتصادی و ترویج فرهنگ مصرف کالاهای داخلی از مهمترین سازوکارهای تحقق اقتصاد دانش بنیان است. با توجه به نقش اقتصاد دانش بنیان در تولید و اشتغال و بنابراین توسعه اقتصادی، لازم است سیاستگذاری‌ها در راستای تولید دانش و بهره‌گیری از نیروهای متخصص و کارآمد تدوین شود.

کلیدواژه‌ها: تولید، اشتغال، اقتصاد دانش بنیان، دانش، نیروی متخصص

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

اقتصاد، از ضروری‌ترین نهادهای هر جامعه بوده و تولید و اشتغال، دو امر مهم در مباحث اقتصادی است. این مباحث، از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه ملت‌ها و دولت‌ها بوده و جوامع، در قرون و اعصار مختلف، با آن درگیر بوده‌اند. بی‌شک یکی از چالش‌های اساسی فراروی اقتصاد ایران امروز، مشکل تولید و عدم رونق تولید است. این در حالی است که رونق تولید برای کشور از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا از یک‌طرف باعث حل چالش‌های پیش روی اقتصاد مانند اشتغال می‌انجامد و از سوی دیگر منجر به شکل‌گیری قدرت اقتصادی می‌گردد که زیرساخت لازم برای سایر ابعاد قدرت است. به عبارت دقیق‌تر، رونق تولید هم باعث حل مشکلات اقتصادی می‌گردد هم آسیب‌پذیری اقتصادی را کاهش می‌دهد. در بسیاری از کشورها به منظور تقویت تولید و اشتغال، سیاست‌گذاری‌ها به سمت اقتصاد دانش‌بنیان سوق یافته است. واقعیت امر این است که در دنیای پر تحول امروز دانش و نوآوری به‌عنوان عامل مهم ایجاد و اساسی‌ترین عامل پیشرفت در عرصه‌های صنعتی محسوب می‌گردد بر اساس مطالعات انجام گرفته، پایدارترین اقتصادها در جهان مربوط به اقتصادهای دانش‌محور است (فخاری؛ سلیمانی، ۱۳۹۲). «دانش به‌عنوان یکی از نیروهای بسیار مؤثر در تحولات اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌آید و یک کالای عمومی محسوب می‌شود زیرا می‌توان دانش را بدون کاهش و استهلاک با دیگران به اشتراک گذاشت. در اقتصاد دانش‌بنیان، دانش، به‌عنوان یک منبع دائمی، همواره در اختیار بنگاه‌های اقتصادی قرار می‌گیرد و با مشارکت مکرر در فرایندهای گوناگون تولیدی و خدماتی سبب افزایش مزیت رقابتی و ایجاد ارزش افزوده می‌شود در نتیجه این امر می‌تواند سبب گسترش رفاه اجتماعی و عامل کاهش فقر و بی‌عدالتی و موجب ارتقای روند توسعه پایدار گردد» (ناظمیان؛ اسلامی فر، ۱۳۸۹). اقتصاد دانش‌بنیان تأثیر بسزایی در افزایش تولید سرانه، بالاتر کاهش نابرابری در توزیع درآمد دارد. امروزه پایه و اساس رقابت بین کشورها و سازمان‌ها رقابت در دانش بوده و اقتصاد کشورها به سمت اقتصاد دانش‌محور در حال پیشروی می‌باشد. اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که به شکل مستقیم بر اساس تولید توزیع و مصرف اطلاعات و دانش قرار گرفته باشد (کوثری و همکاران، ۱۳۹۳). با توجه به اهمیت تولید و اشتغال در اقتصاد امروزی و تحقق این دو عنصر مهم از طریق اقتصاد دانش‌بنیان در این مقاله تلاش شده به بررسی موضوع از منظر فقهی پرداخته شود. در خصوص تولید در اسلام و اقتصاد دانش‌بنیان تألیفات متعددی انجام شده است: رضا وفایی یگانه و لطف علی عاقلی، در مقاله‌ای به آسیب‌شناسی فرهنگ تولید در اسلام و تجارب جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند (وفایی یگانه؛ عاقلی، ۱۳۸۶). علی محمد میر جلیلی و سمیه یوسفی نیز در مقاله‌ای، اولویت‌های تولید از دیدگاه اسلام را بررسی کرده‌اند (میر

جلیلی؛ یوسفی، ۱۳۹۳). همچنین محسن عمار لو و محمدجعفر روحانی، در مقاله‌ای، اقتصاد دانش‌بنیان، اهمیت و نقش آن در تحقق اقتصاد مقاومتی و اشتغال پایدار را مورد بررسی قرار داده‌اند (عمار لو؛ روحانی، ۱۳۹۷). در مقاله حاضر اما تلاش شده به بررسی این موضوع مهم پرداخته شود که مبانی و سازوکارهای فقهی تولید و اشتغال با تأکید بر اقتصادی دانش‌بنیان چیست؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا مبانی فقهی تولید و اشتغال بررسی می‌شود و در ادامه از سازوکارهای فقهی تولید و اشتغال بحث شده و در نهایت به بررسی سازوکارهای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان با رویکرد فقهی تبیین و تحلیل می‌گردد.

۱) مبانی فقهی تولید و اشتغال

در فقه و معارف اسلامی بحثی به نام تولید و اشتغال مطرح نشده است، مثلاً در کتاب‌های فقهی که بیش از پنجاه باب و کتاب مدون شده، باب یا فصل یا کتابی به نام تولید وجود ندارد بلکه این بحث و این مفهوم به عنوان استنباطی و استخراجی از مجموع مباحث موجود در معارف اسلامی و فرهنگ مذهبی به دست می‌آید که نظیر این بحث نیز در اصول فقه موجود است. اسلام و فقه در موارد مختلف دستوراتی دارند که با جمع‌بندی و بررسی و اجتهاد می‌توان به نظریه‌های اسلام رسید. از مجموع احکام اسلامی، در زمینه‌های مختلف از تولید کشاورزی گرفته تا تولید صنعت، تولید دامداری، تولید مسکن، تولید لباس، تولید تسلیحات نظامی و تولید خدمات و کارهای خدماتی - آیات و روایاتی به ما رسیده است. از مجموع آن‌ها بحث تولید و اشتغال قابل استنباط و استخراج است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۳، ۹۴).

رویکرد قرآن در خصوص تولید و اشتغال با تبیین قواعد کلی در خصوص فعالیت‌های اقتصادی قابل تبیین است. در آیه ۳۹ سوره نجم آمده است: «و برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست» قرآن کریم این را به عنوان یک اصل ذکر کرده است، که هر کس به نتیجه تلاش خود می‌رسد. از این رو انسان‌ها را به کار و تلاش تشویق می‌کند (اصغری، ۱۳۹۵، ۳۸). و نیز در آیه ۳۲ سوره نساء می‌فرماید: «مردان از آنچه به دست می‌آورند نصیبی دارند و زنان نیز نصیبی» واژه‌های «سعی» و «اکتساب» در آیه مورد اشاره بیانگر این امر است که برای کسب باید سعی و کوشش کرد (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۴، ۳۹۵).

امیر مؤمنان (ع) بر تداوم تلاش و کوشش تأکید دارند. ایشان می‌فرماید: «کار اندکی که بر آن مداومت کنی، امیدبخش‌تر از کار زیاد است که از آن خسته شوی» (آمدی، ۱۳۷۳، ۲۶۲). و نیز می‌فرماید: «تمامی کار به کامل کردن آن است» (آمدی، ۱۴۲۹، ج ۷۵، ۹۱). کار غیر مداوم و بی‌ثمر همچون برق جهنده در تاریکی برای انسان

فایده‌ای ندارد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «از برق جهنده برای کسی که در تاریکی فرورفته است بهره‌ای حاصل نمی‌شود. مردمان فرزندان کاری هستند که آن را خوب انجام می‌دهند (آمدی، ۱۴۲۹، ۴۷۶).

هدف اصلی و نهایی تولید در نظام اقتصادی اسلام، رسیدن به سعادت دنیا و آخرت است. اما می‌توان انگیزه و اهدافی میانی برای تولید مطرح کرد که آن‌ها هم در طول هدف نهایی قرار گیرند. این انگیزه‌ها و اهداف، عبارت‌اند از: ۱- رفع حوائج؛ از طریق کسب روزی حلال و تأمین معاش برای نیازهای فردی و اجتماعی زندگی ۲- کسب قدرت: تولید برای عزت و استقلال و رهایی از وابستگی و برقراری حاکمیت سیاسی اسلام ۳- سود: سود در اسلام نه مورد نفی قرار گرفته و نه به‌عنوان تنها انگیزه تولید بر آن تأکید شده؛ سود به‌عنوان یک انگیزه مادی و پاداش دنیایی در تشویق به فعالیت‌های گسترده تولیدی مجاز شناخته شده سودی عادلانه و به دور از اجحاف و تجاوز به حقوق دیگران، سودی نه از هر نوع تولیدی. ۴- تولید برای خدمت و به‌عنوان وظیفه اجتماعی برای رفع فقر و محرومیت و توسعه اقتصادی جامعه، در راستای وظیفه آبادانی و توسعه رفاه و آسایش جامعه اسلامی. همچنان که خداوند متعال می‌فرماید: «هو أنشأكم من الارض و استعمرکم فیها» (هود، ۶۱)؛ اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت - تولید برای انفاق، ایثار در راستای عبادت و تعالی معنوی (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۳، ۹۸ - ۱۰۲؛ حریری، ۱۳۶۲، ۵۰۲؛ جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۵۸۱). البته این مطلب لازم به ذکر است که «اسلام در کنار تشویق به تولید و پذیرفتن انگیزه‌های مختلف در مورد آن، سعی می‌کند انسان را از اسیر شدن در گرداب مادیات نجات بخشیده و از گرفتار آمدن در پنجه‌های انسانیت کُش حرص و آز، رها سازد» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، ۱۳۶۳، ۲۸۹).

تولید کالا و خدماتی که در واقع منتهی به تولید ثروت می‌شود نه تنها مطرود و مورد نهی اسلام نیست بلکه در صورتی که با رعایت شرایط و موازین انجام پذیرد؛ مورد تأکید تشویق قرار گرفته و در مقابل از تنبلی و بیکاری پرهیز داده شده است. میزان تولیدات و ارزش اقتصادی آن یکی از مهم‌ترین ابزار اندازه‌گیری موفقیت‌های اقتصادی کشورهاست. رونق تولید به معنای شکوفایی ظرفیت‌های اقتصادی است و موضوعی حیاتی برای شرایط حال و آینده کشور است؛ زیرا از یک سو، ناظر بر حل مسائل و چالش‌های حاکم بر اقتصاد کشور است و از سوی دیگر، معطوف به ظرفیت‌سازی و استحکام ساختار اقتصادی کشور در آینده می‌باشد. به عبارت دیگر رونق تولید هم نسخه‌ای برای حل و رفع چالش‌های کنونی اقتصاد کشور است و هم در بلندمدت، منجر به کاهش و از بین رفتن آسیب‌پذیری‌های اقتصاد ملی می‌شود.

۲) سازوکارهای فقهی تولید و اشتغال

در این قسمت به بررسی سازوکارهای فقهی تولید و اشتغال پرداخته می‌شود.

۲-۱) بهره‌گیری از زمین و منابع آن

یکی از عوامل اصلی تولید و اشتغال، منابعی است که خداوند متعال در طبیعت قرار داده، تا بشر به صورت‌های گوناگون از آن‌ها استفاده ببرد. خداوند متعال می‌فرماید: «برای شما مسخر کرد آنچه را در آسمان‌ها و زمین است در حالی که همه از اوست» (جائیه، ۱۳)؛ برخلاف دیدگاه نظام اقتصادی سرمایه‌داری، دیدگاه اقتصاد اسلامی، از نظر مقدار منابع تولید بر این مبنا قرار دارد که از سویی، منابع برای رفع نیازها، به اندازه است. و از سوی دیگر، این منابع، فراوان و متنوع هستند. در این مورد، آیات فراوانی در قرآن کریم آمده است (حج، ۶۵؛ نحل، ۱۸؛ ابراهیم، ۳۴؛ اعراف، ۱۰؛ عبس، ۳۲-۲۶؛ شعرا، ۷؛ ابراهیم، ۳۲-۳۴؛ رحمان، ۱۰-۲۱). بر اساس آیات فوق می‌توان گفت که «همه چیز به اندازه و بر اساس حکمت آفریده شده و متناسب با نیاز انسان در اختیار او قرار داده شده است. تنها اختصاص منابع به وسیله بعضی و محروم گردانیدن بعضی دیگر و نیز به کار نگرفتن توان و استعداد انسان در بهره‌برداری از منابع طبیعت عامل اصلی مشکلات اقتصادی است» (نمازی، ۱۳۷۴، ۲۴۴). در آیه ۱۵ سوره ملک آمده است: «او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه‌های آن راه بروید و از روزی‌های خداوند بخورید؛ و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست. در جای دیگر، ایجاد ارتباط و پیوند میان کار و طبیعت با صراحت بیشتری آمده است». همچنین مطابق آیه ۳۴ و ۳۵ سوره یس: «و در آن باغ‌هایی از نخل‌ها و انگورها قرار دادیم و چشمه‌هایی از آن جاری ساختیم، تا از میوه آن و از دسترنج خویش بخورند». در این آیات، «زمین»، «آب» و «درخت» به عنوان منبع تولید، و حرکت و تلاش در زمین به عنوان ابزار تولید معرفی شده است (حبیبی، ۱۳۹۴، ۱۳۷). بر این اساس، وقتی منابع در اختیار انسان قرار گرفته است لازم است در توسعه و تولید از این منابع کوشش شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲۳، ۱۲۱). بر این اساس زمین و آنچه به عنوان منابع در زمین است از ابزارهای تولید و اشتغال از منظر فقهی است.

۲-۲) نیروی کار

عامل دوم در تولید و اشتغال، نیروی انسانی یا کار است. در اسلام به کار و تلاش برای کسب روزی، سفارش و از تنبلی، سستی و بیکاری نهی شده است. اسلام با تأکید بر تضمین روزی بندگان از سوی خدای متعال، سعی و تلاش را توصیه کرده و در قرآن می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم، ۳۹)؛ انسان جز محصول کوشش

خویش مالک چیزی نیست. کار و کوشش برای کسب مال حلال، مورد توجه و تشویق پیشوایان دین است. در مقابل: معطل گذاشتن مال نکوهش شده است. پیشوایان اسلام، مسلمانان را به تجارت و صدقات جاریه مانند وقف باغ، مزرعه، مرتع و مانند آن تشویق می کنند و کار و تولید را مایه عزت آنان می خوانند (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۵۸۰). از طرف دیگر در اسلام با سستی و تنبلی سخت مبارزه شده است. حتی اگر روی گرداندن از کار ناشی از سستی و تنبلی نباشد و به جای آن، شخص همه وقت خود را به عبادت پردازد مورد رضایت شرع نمی باشد (میرمعزی، ۱۳۸۹، ۵۰۱؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۳، ۲۹۹). در نظام اقتصادی اسلام، کار پایه مالکیت کارگر است، به این ترتیب کار وسیله اصلی در دستگاه توزیع اسلامی است. زیرا هر کارگری به وسیله کار از ثروت های طبیعی ای که به دست می آید بهره مند می شود و طبق قاعده کار علت مالکیت است، حاصل کار خویش را به تملک درمی آورد. در قانون اسلامی، کار پایه مالکیت کارگر نسبت به ماده است، نه پایه ارزش آن. زیرا وقتی کارگر غواص از دریا لؤلؤ بیرون می آورد، با کار خویش ارزش آن را نمی دهد، بلکه به وسیله کار خود مالک آن می شود (صدر، ۱۳۵۰، ۴۳۱). در مورد میزان کار کردن باید گفت؛ با توجه به شرایطی که در اثر اجرا قوانین اسلام پدید می آید؛ هیچ کس در جامعه اسلامی برای گذراندن معاش خود و افراد تحت تکفلش، مجبور نیست بیش از حد معقول و متناسب کار کند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، ۱۳۶۳، ۳۰۳). در مورد سن کارگری باید یاد آور شد که؛ از نظر فقه شخص تا آن هنگام که به حد بلوغ نرسیده باشد، تصرفات معاملگی را که مستقلاً و به تصمیم گیری خود انجام بدهد باطل است و بنابراین اگر کسی خواسته باشد فرد نابالغ را به عنوان یک کارگر استخدام کند، اجاره او باطل و به کار گماردنش حرام می باشد تنها پدر یا جد پدری اوست که بر وی ولایت دارند و می توانند در اموالش تصرف کرده یا او را به کاری بگمارند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، ۱۳۶۳، ۳۰۵). همچنین به صاحب کار توصیه های اخلاقی و الزامی نموده است که موجب تضمین حقوق کارگر می شود.

۲-۳) مدیریت

از دیگر عوامل تولید و اشغال، مدیریت و اشتغال تولید است. در مدیریت می توان مسائلی چون نظم، برنامه ریزی، نظارت بر منابع طبیعی و نیروی انسانی و نیز نظارت بر روند تولید را مورد بررسی قرارداد. مدیریت به عنوان عامل اصلی و نیروبخش تولید، همواره باید مورد توجه و حمایت قرار گیرد و نقش اصلی و کلیدی خود را در تولید و فعالیت های اقتصادی حفظ کند و برای انواع تولید افزایش آن و نیز شیوه ها و روش های تولیدی برنامه ریزی و تدبیر کرده و با استفاده از رشد علمی و فنی، کسب دانش فنی مناسب، تحقیق، پژوهش، تجربه و تخصص و

استفاده مطلوب از ابزار تولید و مکانیزم‌های تولیدی و تولید ابزار و نیز با بهره‌برداری حداکثر از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل جامعه، راه را برای عزت، استقلال و اقتدار امت اسلامی فراهم نمود (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۳، ۹۰).

در جهان‌بینی اسلامی، هدف، صرفاً تولید بیشتر نیست؛ بلکه هدف نهایی، تعالی انسان و رسیدن او به جایگاه خلیفه‌ی خدا بر روی زمین است. (همان) همچنان که قرآن کریم می‌فرماید: «هنگامی که پروردگارت به فرشتگان فرمود: من در روی زمین جانشینی [نماینده‌ای] قرار خواهم داد» (بقره، ۳۰) وقتی می‌گوییم هدف نهایی مدیران واحدهای تولیدی در مدیریت اسلامی، تعالی انسان است؛ به این معنی نیست که آنان، به دلیل این که به تعالی فکر می‌کنند در کمیت و کیفیت تولید، کم می‌گذارند؛ بلکه هر عقل سلیمی می‌پذیرد که چون صد آید، نود هم پیش ماست؛ به این معنی که وقتی هدف نهایی، تعالی انسان است نمی‌توان انتظار داشت که مدیر، به تعالی برسد ولی در تولیدش کم گذاشته باشد.

مدیر اسلامی، دو رسالت «تعالی» و «تولید» را بر عهده دارد؛ منبع تغذیه فکری و روحی مدیر برای تحقق رسالت تعالی «مکتب» است؛ اما رسالت دیگر مدیر، یعنی «تولید»، متکی و متصل به علم و پیشرفت علوم است؛ از این رو، مدیر اسلامی، برای بهره‌وری کامل از علم موجود در زمینه‌ی تولید، باید در جریان و سیر مطالعاتی پیشرفت علوم در جهان که یک سیر تکوینی است، قرار داشته باشد (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۳، ۴۴۰). و خود را در تخصص مورد نیاز قوی نماید؛ همچنان که قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می‌بخشد» (مجادله، ۱۱) آیه اشاره به این دارد که هر چه ایمان قوی‌تر و علم بیشتر باشد درجات بالاتر می‌رود (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ۴۵۶). و صاحبان علم و دانش، باید در جامعه اسلامی از جایگاه بالا و والایی برخوردار باشند (قرائتی، ۱۳۸۷، ج ۹، ۵۱۷). لذا برخورداری از علم و دانش در زمینه‌ی مدیریت اسلامی تولید و آشنایی با ابعاد و زوایای مسئولیت و وظایف آن، از ویژگی‌های برجسته‌ی یک مدیر مؤمن است.

۳) سازوکارهای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان از منظر فقهی

مفهوم اقتصاد مبتنی بر دانش اولین بار در سال ۱۹۹۵ توسط سازمان توسعه و همکاری اقتصادی مطرح شد در گزارش تکمیلی این سازمان در سال ۱۹۹۶، اقتصاددانشی چنین تعریف شده است اقتصادی که به‌طور مستقیم مبتنی بر، تولید توزیع و استفاده از دانش و اطلاعات. باشد اصطلاح اقتصاد دانش‌بنیان نتیجه شناخت کامل نقش دانش و فناوری در رشد اقتصادی است (او.ای. سی.دی، ۱۹۹۶). و از دیدگاه سیستم‌ها به جنبه‌های ساختاری گذرگاه‌ها

و رژیم‌های فناورانه افزوده می‌شود (کوکی.پی، لیدسدورف، ۲۰۰۵). سه نیروی محرکه فرعی تجدید شده به‌عنوان کارکردهای یک اقتصاد دانش‌بنیان عبارت‌اند از: (۱) تولید ثروت در اقتصاد؛ (۲) تولیدات جدید از طریق سازمان‌دهی علم و فناوری و (۳) اداره و کنترل تعاملات میان این دوی نیروی محرکه فرعی از طریق سیاست‌گذاری در محدوده دولتی و مدیریت در محدوده خصوصی (لیدسدورف.ال، ۲۰۱۰، ۳۶۷-۴۱۷؛ لیدسدورف.ال؛ اترکوویتز، اچ، ۲۰۰۵، ۵۵-۶۱)، بنگاه اقتصادی دانش‌بنیان بنگاهی است که سودآوری و مزیت و بقایش به توسعه دانش و فناوری باشد عامل دیگری بحث صرفاً درباره سطح فناوری محصول بنگاه نیست بنگاه می‌تواند کالا تولید کند یا خدمات ارائه دهد. پس بنگاهی که از انحصار نان می‌خورد دانش‌بنیان نیست. بنگاهی که صرفاً از تولید انبوه نان می‌خورد، دانش‌بنیان نیست بنگاهی که به خاطر محدود ماندن رقابت سر پا مانده است و اگر کمی رقابت را بیشتر کنید، از بین می‌رود، هنوز دانش‌بنیان نشده است. بنگاهی که با رفتن چند متخصص و مهندس از آن تعطیل شود، دانش‌بنیان نیست البته مهندسان و متخصصان یکی از عوامل اصلی در بنگاه دانش‌بنیان هستند، چون عامل اصلی نیروی انسانی، است اما به‌هر حال بنگاهی توانمند است که با رفتن صاحبان اولیه‌اش از بین نرود. در واقع دانش منتقل شده و به اصطلاح نهادینه شده باشد و متکی به افراد نباشد بنگاه دانش‌بنیان خیلی فراتر از این است. بحث بعدی این است که به دست آوردن این دانش و نگهداری این دانش و فناوری و رشد این دانش می‌تواند اکتسابی باشد یا می‌تواند انتقال دانش و فناوری باشد و یا ترکیبی از هر دو باشد (ایزد خواه، ۱۳۹۱). اقتصاد دانش‌بنیان برخاسته از دوی نیروی اصلی است: (۱) افزایش دانش بری فعالیت‌های اقتصادی که برخاسته از ترکیب عوامل مختلف نظیر انقلاب فناوری اطلاعات و نیز افزایش سرعت تحولات تکنولوژیکی است (۲) افزایش جهانی‌شدن امور اقتصادی که ناشی از برداشته شدن قیدوبندهای دولتی بین‌المللی و نیز انقلاب ارتباطی وابسته به فناوری اطلاعات است. در هر حال باید به این نکته توجه داشت که اصطلاح اقتصاد دانش به کل ساختار نوظهور اقتصادی اشاره دارد و به‌طور مشخص هیچ‌یک از تحولات ذکر شده یا ترکیب آن‌ها را در بر نمی‌گیرد.

در یک تحلیل نظری می‌توان ویژگی‌های زیر را برای اقتصاد دانش‌بنیان عنوان کرد: ۱. اقتصاد دانش‌بنیان اقتصاد کمیابی منابع نیست، بلکه اقتصاد فراوانی منابع است؛ زیرا برخلاف بسیاری از منابع که هنگام مصرف مستهلک می‌شوند، اطلاعات و دانش که اساس اقتصاد دانش پایه است می‌تواند بارها مصرف شده و با مصرف بیشتر در واقع رشد کند. ۲. در اقتصاد دانش، پایه دانش به کالا تبدیل شده و به فروش می‌رسد. هم‌اکنون بازارهای مجازی برای خرید و فروش دانش در جهان شکل گرفته و افراد با اعلام قیمت دانش، خود آن را در معرض مبادله قرار می‌دهند بازار دانش بازاری بسیار ناهمگن است و هر کالا کیفیت و قیمت خاص خود را دارد. صاحبان دانش در واقع

به صورت انحصاری یا شبه انحصاری عمل می کنند. در این قسمت تلاش شده به بررسی سازوکارهای تحقق اقتصادی دانش بنیان از منظر فقهی پرداخته شود.

۳-۱) نگرش علمی به اقتصاد

نگرش علمی به معنای التزام عملی انسان‌ها به حاکمیت علوم در امور است که باید علوم حاکم باشند. عده‌ای این مسئله را از مهم‌ترین و اولین خصیصه‌هایی می‌دانند که جریان توسعه اقتصادی از جنبه فرهنگی بدان نیاز دارد و گفته شده باید نگرش علمی بر فرهنگ جامعه حاکم شود، یعنی انسان‌ها باید به مجموعه به آرای فرهنگی خود این تفکر را اضافه کرده باشند که هر حادثه‌ای علت یا عللی، دارد هر علت یا هر گروه از علت‌ها قابل کشف است و کشف آن‌ها باید به روش علمی صورت گیرد. روش علمی عبارت است از مشاهده دقیق و موشکافانه، طرح فرضیه، آزمون فرضیه، طرح نظریه علمی، و عدم تعصب علمی در نظریه علمی ... به عبارت دیگر باید اعتقاد عمومی به این باور فرهنگی پیدا شود و برای استفاده از روش علمی نیاز به استدلال نباشد. نگرش علمی می‌گوید هر پدیده‌ای علتی دارد و علت‌ها هم قابل کشف هستند، راه کشف علت‌ها هم راه و روش علمی است که مراحل آن مطرح شد. بعلاوه به نظریه علمی هم که رسیدیم باید تعصب غیرعملی نداشته باشیم. یعنی بپذیریم که ممکن است آزمون جدیدی نظریه علمی ما را رد کند. نباید به دنبال این بود که اگر آزمونی خلاف نظریه علمی را ثابت کرد، به هر طریق اصرار کنیم که نظریه ما درست است و، و آزمون مورد بحث اعتباری ندارد (عظیمی، ۱۳۷۱، ۱۸۴).

در این نوع نگرش به علم است که همیشه به دنبال راه حل کارشناسانه از مشکلات و مسائل هستیم و با همه مشکلات به صورت محققانه برخورد می‌شود لذا جواب درستی یا نادرستی بسیاری از راه‌حل‌ها را باید علم و تحقیق مشخص کند نه سلیقه افراد عده‌ای حاکمیت علم در مسائل طبیعی را بدیهی دانسته‌اند و گفته‌اند چاره‌ای جز آن نیست ولی آنچه کشورهای جهان سوم ندارد توجه و اعتقاد و احترام به نگرش علمی در برخورد با مسائل اجتماعی و انسانی است ولی در برخورد در زمینه‌های مسائل تجربی و علوم پایه همه انسان‌ها، خود را ناچار از قبول نتایج تجربیات و آزمایشات می‌دانند ولی در برخورد با مسائل اجتماعی و نتیجه عملکرد انسان‌ها، برخوردی تقدیری می‌کنند (بروجنی، ۱۳۷۱، ۱۷).

چنانچه ملاحظه شود نگرش علمی در اینجا اعم است و شامل همه امور چه انسانی و چه طبیعی است در همه آن‌ها باید به علم مراجعه کرد و این مراجعه باید در فرهنگ مردم جای خود را بیابد با این تفاوت که بعضی توجه به

یکی را بدیهی می‌شمارند که به نظر می‌رسد چنین نباشد وعده‌ای تکیه بر علوم تجربی صرف دارند و می‌گویند: روحیه علمی یا به‌طور واضح‌تر روحیه تجربی است که بکار انسان ارزش می‌بخشد. در اثر شناسایی حقایق جهان محسوس است که هرروز آگاهی انسان‌ها بر آن‌ها به‌طور مداوم افزایش می‌یابد. مهندسین و مخترعین تکنیک‌هایی خلق و ابداع می‌کنند که به‌وسیله آن‌ها انسان. تواند با کار کمتر محصول بیشتر به دست آورد (فورااستیه، ۱۳۵۵، ۱۹).

به نظر می‌رسد این نگرش علمی باید به‌صورت اعم چه در زمینه‌های تجربی و چه غیر آن در جامعه ایجاد شود و توسعه‌یافتگی مستلزم آن است که جایگاه علم در سیستم داخلی مشخص شود برای اینکه جامعه بتواند به معنای جدید توسعه‌یافتگی دست یابد و به‌پیش حرکت کند، باید جایگاه علم را در فلسفه حیات خود روشن کند و لذاست که علمی نگرستن به مسائل را عده‌ای مبنای توسعه دانسته‌اند و از مشتقات این نگرش اصلاح‌پذیری و برخورد اصلاحی با امور می‌باشد (فورااستیه، ۱۳۵۵، ۶۱-۶۲). در این صورت است که فرهنگی علمی حاکم می‌شود. فرهنگ علمی عبارت است از شیوه اندیشه‌هایی که روح جستجوگری و پذیرش حق، از اصول بنیادین آن بشمار می‌رود فردی که به این فرهنگ تعلق دارد، افزون بر چرایی» درباره چگونگی «و «چستی» امور نیز سؤال مطرح می‌کند و در حل مسائل همواره در پی یافتن راه‌ها از روش علمی است (شریف، ۱۳۶۷، ۱۵۹). در این فرهنگ است که شناخت علمی از مصونیت سیاسی برخوردار است و نمی‌توان با دست‌آویز قرار دادن ملاحظات سیاسی، فعالیت علمی را محدود کرد. شناخت علمی در این جامعه از توان تبیین، پیش‌بینی و مهار کردنی بهره‌مند است که در هیچ‌یک از جوامع سنتی سابقه نداشته است. در جوامع سنتی که فرهنگ علمی حاکم نیست شناخت علمی پایگاه و منزلت استواری در تبیین امور پیچیده جهان ندارد و جهان‌بینی‌ها اغلب بر اسطوره، جادو و برداشت‌های نادرست تکیه دارد. در جامعه‌ای که فرهنگ علمی حاکم است از دگرگونی در سایر آموخته‌ها و تجربه‌ها هراسی ندارند و اثبات نادرستی هیچ‌یک از نظریات رایج در این جامعه بر تزلزل بنیاد آن نمی‌انجامد. درحالی‌که در جوامع سنتی که فرهنگی علمی حاکم نیست متزلزل شدن برخی از باورهای مهم می‌تواند به اضطراب ژرف و آشفتگی روحی و گسیختگی بافت جهان‌بینی نظری بینجامد. جامعه‌ای که فرهنگ علمی بر آن حاکم است جامعه‌ای «باز» است یعنی امکان بر خطا بودن و احتمال شقوق و نظریات دیگر وجود داشته و بر ضرورت دگرگونی تکیه دارد درحالی‌که جامعه سنتی که فرهنگی علمی بر آن حاکم نیست، معمولاً دگراندیشی تحمل نخواهد شد و دگرگونی، مقاومت سرسختانه‌ای بر خواهد انگیخت. شک عالمانه، ارزیابی دوباره آزمایشی

پیگیر یافته‌ها و دانسته‌ها، پیروی از عقل و اعتقاد به تجربه از اصول مهم فعالیت علمی در جوامعی است که فرهنگ علمی بر آنان حکومت می‌کند.

در سطح کلان کشورهای در حال توسعه و سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی اقدام به ایجاد راهبردها و چارچوب‌هایی برای رسیدن به اقتصاد دانش‌محور که در آن ثروت و درآمد براساس توانایی‌های دانش و نوآوری است، تلاش می‌کنند (عظیمی؛ برخوردار، ۱۳۸۹). در عصر جدید که به عصر دانش‌محور مشهور شده است دانش عامل اصلی برای تولید اقتصادی به شمار می‌رود و ساختار سیستم در سازمان‌های اقتصادی در عصر جدید از منابع محور که در آن منابع طبیعی همانند زغال‌سنگ، سنگ آهن و نیروی انسانی منابع اصلی اقتصادی به شمار می‌آید فاصله گرفته و به اقتصاد دانش‌محور که تولید و بهره‌برداری از دانش سهم عمده‌ای در ایجاد ثروت دارد و سرعت تغییرات بسیار زیاد است نزدیک شده است یعنی ماهیت، تولید تجارت اشتغال و کار بسیار متفاوت با آنچه در گذشته وجود داشته شده است (دیزجی؛ دانشور، ۱۳۹۱). در اقتصاد پویای در حال، رشد صادرات و رشد تأثیر متقابلی بر یکدیگر دارند و از طریق یک تعامل پویا یکدیگر را تقویت می‌کنند (شاکری؛ مالکی، ۱۳۸۹). صادرات از مجرای ایجاد تقاضای اضافه نیز برای اقتصادهایی که توان عرضه‌شان در برخی صنایع قوی است موجب رشد می‌گردد و به‌طور کلی در اقتصادهایی که با کمبود تقاضا مواجه‌اند با افزایش صادرات می‌توان از طریق سازوکار ضریب فزاینده مخارج تقاضای کل و بنابراین در آمد کل آن‌ها را افزایش داد و موجب تداوم و شتاب رشد آن‌ها شد.

۲-۳) استفاده از نیروی متخصص

تولید نیازمند دانش و تخصص و تعهد و به عبارت دقیق‌تر شایسته‌سالاری است. از مهم‌ترین دلایل عدم رونق تولید، فقدان شایسته‌سالاری است. شایسته‌سالاری در اصطلاح به معنای انتخاب بهترین و تواناترین افراد به‌منظور واگذاری مسئولیت‌هاست (نصر اصفهانی و همکار، ۱۳۸۹، ۱۴۷). شایسته‌سالاری به معنای مهارت، توانایی و لیاقت در انجام امور است (گلکار؛ ناصحی فر، ۱۳۸۱، ۱۰-۷؛ کاظمی و همکاران، ۱۳۹۰، ۵۳). شایسته‌سالاری در اسلام همواره مورد تأکید قرار گرفته است. در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء آمده است: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!» گرچه مفسران منظور از بندگان شایسته را حضرت مهدی (عجل‌ا... تعالی فرجه الشریف) و یاران با وفایش می‌دانند (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ۷۷؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳، ۳)، اما از این آیه می‌توان ضرورت و اهمیت شایسته‌سالاری را استخراج نمود. در شرح این آیه و ویژگی شایستگان و ضرورت حکومت آن‌ها چنین آمده

است: «با توجه به اضافه شدن بندگان به خدا، مسئله ایمان و توحید آن‌ها روشن می‌شود، و با توجه به کلمه صالحون که معنی گسترده و وسیعی دارد، همه شایستگی‌ها به ذهن می‌آید: شایستگی از نظر عمل و تقوا، شایستگی از نظر علم و آگاهی، شایستگی از نظر قدرت و قوت، و شایستگی از نظر تدبیر و نظم و درک اجتماعی. هنگامی که بندگان با ایمان این شایستگی‌ها را برای خود فراهم سازند، خداوند نیز کمک و یاری می‌کند تا آن‌ها بینی مستکبران را به خاک بمالند، دست‌های آلوده‌شان را از حکومت زمین کوتاه کنند، و وارث میراث‌های آن‌ها گردند» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۳، ج ۳، ۱۹۳). آیه مورد اشاره از جمله آیه‌هایی است که نه تنها ضرورت شایسته‌سالاری در آن نهفته است بلکه خداوند متعال وارث اصل زمین را شایستگان معرفی می‌نماید. یعنی زمانی که خلقت انسان به مرحله تکامل رسیده است شایستگان در مسند قدرت قرار می‌گیرند و حکومت را در جهت تعالی افراد بشر بکار می‌گیرند.

از اصول اساسی شایسته‌سالاری، داشتن تخصص است (سجادی، ۱۳۸۵، ۷۷). بر اساس سنت الهی، هیچ مسئولیتی به افراد مگر بر اساس تخصص و شایستگی آن‌ها واگذار نمی‌شود. رسالت پیامبران و اموری که به آن‌ها واگذار شده بیانگر این سنت است. مطابق آیه ۵۸ سوره نساء اداره امور و امامت جامعه همواره به کسانی که اهل آن بوده‌اند واگذار شده است. منظور از اهل در اینجا، توانایی و شایستگی است. به عنوان مثال بر اساس آیات قرآن (آیه ۳۰ سوره بقره) طالوت به خاطر توانایی جسمی و داشتن دانش و آگاهی به مقام فرماندهی بنی اسرائیل رسید و فرماندهی جنگ با جالوت را بر عهده گرفت. هنگامی که یوسف از زندان آزاد گردید و عزیز مصر در صدد برآمد به وی مسئولیتی را واگذار نماید، گفت: «مرا سرپرست خزائن مصر قرار ده که نگهدارنده (حفیظ) و آگاهم» (یوسف، ۵۵). حفیظ در آیه مورد اشاره، به معنای نگه‌دارنده و دیعه است. گفتنی است از این که یوسف علیه السلام برای رسیدن به مقام وزارت خزانه‌داری و مالیه، از خود به صفت «حفیظ» و «علیم» یاد می‌کند، استفاده می‌شود که کارگزار حکومت، باید امین باشد (الطبرسی، ۱۴۱۵، ج ۵، ۴۱۸). یوسف به هنگام پیشنهاد پست خزانه‌داری مصر خود را با جمله «حفیظ علیم» ستود، زیرا لازم بود سلطان مصر و مردم بدانند که او واجد صفاتی است که برای سرپرستی این کار نهایت لزوم را دارد (مکارم شیرازی، و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۱۶، ۶۴). حضرت یوسف مسئولیت اقتصادی کشور مصر را می‌پذیرد، چون خود می‌داند که توانایی اداره امور در این زمینه را دارد. او هم امانت‌دار و حفیظ است و هم آگاه، متخصص و دانا (سجادی، ۱۳۸۵، ۷۷).

۳-۳ حمایت از کالاهای داخلی

رونق تولید موضوعی حیاتی برای شرایط حال و آینده کشور است؛ زیرا از یک سو، ناظر بر حل مسائل و چالش‌های حاکم بر اقتصاد کشور است و از سوی دیگر، معطوف به ظرفیت‌سازی و استحکام ساخت اقتصادی کشور در آینده نیز می‌باشد. به عبارت دیگر رونق تولید هم نسخه‌ای برای حل و رفع چالش‌های کنونی اقتصاد کشور است و هم در بلندمدت منجر به کاهش و از بین رفتن آسیب‌پذیری‌های اقتصاد ملی می‌شود. در شرایط حال و در روند تحقق اهداف بلند نظام جمهوری اسلامی یکی از اموری که می‌تواند در روشنگری آگاهی بخشی و ایجاد انگیزه و امید و نشاط، راه‌گشا باشد، توجه به آموزه‌های دینی است. دین، اسلام مال و ثروت را از جمله نعمت و موهبت‌های الهی معرفی می‌کند که خداوند آن را در اختیار انسان قرار داده است تا به زندگی خودسامان ببخشد و از آن در جهت کمال معنوی و اخروی بهره‌برداری کند و از حدودی که بر آن تعیین شده است، خارج نشود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ۱۷).

تعصب و احساس مسئولیت در کنار تولیدکنندگان سرمایه‌گذاران بخش (خصوصی) و مصرف‌کنندگان (مردم)، رکن دیگری برای تقویت تولید داخلی و بلکه مکمل سایر ارکان است زیرا چنانچه تعصب و تعهد عمومی به مصرف‌کالاهای ایرانی وجود داشته باشد این مایه دلگرمی و امیدواری تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران بوده و رونق و بهبود اقتصادی را به دنبال می‌آورد. «حمایت از کالای ایرانی را می‌توان در دو بعد بررسی کرد بعد اول مربوط به دولت است تا با دادن تسهیلات مناسب به تولیدکنندگان، آن‌ها را در جهت تولید کالایی ارزان و باکیفیت کمک کند و بعد دوم آن مربوط مصرف‌کنندگان است که با تلاش مستمر، آینده‌نگری و امید به بهبود وضعیت کیفی کالاهای ایرانی در سطح جهانی، اندک اختلاف کیفیتی کالای ایرانی و خارجی را نادیده گرفته و کالای ایرانی را خریداری کنند. بیشتر کالاهای ایرانی وضعیت مشابه و حتی بهتر از کالاهای خارجی موجود در بازار داخلی هستند اما به دلیل نبود آگاهی، اطلاع‌رسانی و تبلیغات ضعیف مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. مصرف‌کنندگان و سازمان‌های دولتی و حکومتی را می‌توان الزاماتی مبنی بر خرید کالا و محصولات داخلی قرار داد» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ۳۵). بین تولید و مصرف رابطه تنگاتنگی وجود دارد؛ هر چه از کالای داخلی بیشتر استقبال شود، تولیدات آن رونق فزاینده‌ای پیدا می‌کند و هر چه کالای تولیدی بیشتر مورد توجه قرار گیرد بازار کار گسترده و از میزان بیکاری کاسته می‌شود.

۳-۴) کار مضاعف

اگر از عوامل معنوی و آنچه خدای متعال وعده‌ی آن را به مؤمنان و مجاهدان راه حق داده است هم صرف نظر کنیم برحسب قوانین عادی زندگی جوامع بشری، هر جامعه‌ای عزتش، آبرو و حیثیتش و هویتش به مجاهدت و تلاش آن‌ها بستگی دارد در استعمال، قرآنی واژه همت فقط در مواردی استفاده شده است که کار با سختی و مشکلات همراه بوده و موانعی در تحقق کار مورد نظر، وجود داشته است. علامه طباطبایی در ذیل آیه وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لَنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ (یوسف، ۲۴) می‌نویسند کلمه همت) به طوری که می‌گویند جز در مواردی که مقرون به مانع است استعمال نمی‌شود، حال با توجه به موارد قرآنی که به آن‌ها اشاره شد کار و تولید در جامعه امروز با مشکلات فراوانی همراه است پس سرمایه‌دار، بازرگان و تولیدکننده باید به سمت تولید داخل برود چنانچه ممکن است در این راه سود کمی عایدش شود.

تولیدکننده‌ای موفق‌تر و مورد احترام بیشتر است که در جهت رونق تولید همت بیشتری داشته باشد؛ همچنان که امام علی (ع) می‌فرماید: « ارزش مرد به اندازه همت اوست» (دشتی، ۱۳۷۷، ح ۴۷). به عبارت دیگر، «همت و کار مضاعف می‌تواند به معنای نهادینه کردن روش صحیح انجام کار در سازمان (واحدهای تولیدی) و تلاش هوشمندانه در راستای بهره‌برداری بهینه، برنامه‌ریزی شده و مطلوب از امکانات و منابع، در بخش‌های مختلف آن به منظور رسیدن به سطح مطلوب بهره‌وری باشد. این تعریف بیانگر آن است که اولاً از اتلاف کار در تولید یا تولید نامطلوب جلوگیری شود و دوماً از منابع و ظرفیت‌های بلااستفاده به بهترین روش ممکن بهره‌گیری شود». رسیدن به این دستاوردها بدون اتکاء به مدیریت کارآمد و عالمانه میسر نمی‌شود؛ لذا نهادینه شدن فرهنگ کار در جامعه به مدیران کارآمدی نیاز دارد که توان انگیزش و تحرک بخشیدن در محیط خود را داشته باشند (مقیمی، ۱۳۸۸، ۲۱-۱۹). از طرفی وقتی تولید و خلق ثروت در جامعه‌ای ارزش تلقی شود، به دنبال آن فرهنگ کار نهادینه می‌شود. در جامعه باید روح کار، تلاش و جدیت زنده باشد و کم‌کاری، فرهنگ ناپسندی تلقی گردد. لذا جاری شدن همت مضاعف و کار مضاعف در بدنه جامعه مستلزم یک فرهنگ‌سازی صحیح و مدبرانه است (حبیبی، ۱۳۸۸، ۱۹). تا در سایه‌ی این فرهنگ تلاش محور، تولیدات داخلی بارونق مواجه گردد. همچنان که قرآن کریم در خصوص فرهنگ تلاش می‌فرماید: « و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست» (نجم، ۳۹). پیام آیه این است که هستی، میدان تلاش و کار و نتیجه‌گیری است و ما مکلف به انجام وظیفه‌ایم، نه حصول نتیجه. و سعی و تلاش وظیفه ماست (قرآنی، ۱۳۸۷، ج ۹، ۳۳۶). برابر این آیه مدیران، تولیدکنندگان و کارگران وظیفه دارند تا تمام تلاش خود را برای ارتقاء کیفیت تولیدات داخلی انجام دهند و

بدانند که به دنبال این تلاش، به تمام و یا قسمتی از مقصد خود خواهند رسید. همچنان که امام علی (ع) می‌فرماید: «جوینده‌ی چیزی یا به آن و یا به برخی از آن، خواهد رسید» (دستی، ۱۳۷۷، ح ۳۸۶). «امام (علیه‌السلام) در این کلام نورانی اشاره به تأثیر جدّ و جهد بر وصول به مقاصد عالی کرده است. بدون شک برای رسیدن به مقصود، (رونق تولید و اشتغال) عوامل زیادی باید دست‌به‌دست هم بدهند ولی در میان همه آن عوامل، نقش تلاش و کوشش از همه پررنگ‌تر است و تجربه نیز همین را نشان می‌دهد که بزرگان دنیا که به مقاصد عالی دست یافته‌اند بر اثر کار، کوشش و تلاش فراوان بوده است. این نکته نیز حائز اهمیت است که گاه برای رسیدن به مقصود، کوشش فردی نتیجه‌بخش نیست و باید از دیگران نیز در امور عمومی کمک گرفت، پیدا کردن اعوان و انصار و یاران نیز نتیجه‌ی طلب، تلاش و کوشش انسان است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۵، ۱۸۲). لذا وقتی تولیدکننده‌ای با تلاش و کوشش به تأسیس واحد تولیدی اقدام می‌کند و تعدادی کارگر را استخدام کرده و در راستای رونق تولید، اقدام به تولید محصول می‌کند بدانند که با تلاش، پیروزی را در آغوش خواهد گرفت و موفق خواهد شد و نباید در این مسیر به خود سستی راه دهد زیرا برای راه‌اندازی واحد تولیدی قطعاً با مشکلات زیادی روبرو خواهد شد. همچنان که امام علی (ع) می‌فرماید: «وَجَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَلَا تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ؛ و در راه خدا آن‌گونه که شایسته است تلاش کن و هرگز سرزنش ملامت‌گران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد» (دستی، ۱۳۷۷، ن ۳۱) «می‌دانیم جهاد مراحل و مراتبی دارد؛ خواه جهاد نظامی با دشمن و خواه تلاش‌هایی دیگر در مسیر حق. بعضی از مراحل آن شایسته مجاهدان واقعی نیست؛ شایسته آن‌ها این است که آخرین مرحله‌ای را که در توان دارند در این راه به کارگیرند و جمله «جَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» اشاره به همین معناست. اما جمله «وَلَا تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ» اشاره به این است که گاهی افراد آلوده، اطراف انسان‌های مجاهد و مبارز (تولیدکننده‌ی واقعی) را می‌گیرند و با ملامت و سرزنش می‌خواهند سدی بر سر راه آن‌ها ایجاد کنند. امام (علیه‌السلام) می‌فرماید: هرگز این سرزنش‌ها مانع راه تو نشود؛ هنگامی که راه را تشخیص دادی با توکل بر خدا و عزم راسخ و بدون اعتنا به سرزنش‌گران به پیش تاز» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۹، ۴۹۶). هم‌چنین قرآن کریم بر جدیت و تلاش مستمر برای رونق بخشی به تولیدات داخلی تأکید می‌کند و می‌فرماید: «قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرَوْهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ» (یوسف، ۴۷) «اولاً راغب در مفردات گفته: کلمه دأب به معنای ادامه در سیر است، بنا به گفته وی معنای آیه چنین می‌شود: باید هفت سال پشت سر هم و به‌طور مستمر کشت و زرع کنید بعضی دیگر گفته‌اند: دأب به معنی تعب است و معنای آیه این است که باید با جدوجهد و زحمت کشت و زرع کنید. ثانیاً ممکن هم هست کلمه مذکور حال باشد و معنا چنین باشد که شما هفت سال

کشت کنید در حالی که مستمر و یا کوشا باشید» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ۲۵۸). هم‌چنین قرآن کریم بر استمرار تلاش و عدم خستگی تأکید می‌کند و می‌فرماید: «پس هنگامی که از کار مهمی فارغ می‌شوی به مهم دیگری پرداز» (انشرح، ۷) «آیه اشاره به این دارد که انسان باید بعد از فارغ شدن از هر کار و مسئولیتی، آماده پذیرش مسئولیت دیگر و تلاش و کوشش دیگر باشد» (قرائتی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ۵۲۸). لذا تولیدکنندگان و کارگران با تلاش و کوشش می‌توانند به تولیدات داخلی رونق ببخشند و لازمه آن این است که تلاششان خستگی‌ناپذیر باشد و هرگاه از کاری فارغ شدند به کار و تولید بعدی پردازند و به توفیقاتی که یافته‌اند بسنده نمایند.

۳-۵) آموزش

مهارت پایه اصلی اقتصاد دانش‌بنیان است. «در حال حاضر با توجه به تغییراتی که در اقتصاد جهانی پیش آمده؛ سرمایه‌ی نیروی انسانی در کانون توسعه‌ی اقتصادی و تولیدی قرار گرفته است. هرچند سرمایه‌های فیزیکی مانند زمین، ساختمان، کارخانه‌ها و غیره برای توسعه‌ی اقتصادی و رونق تولید ضروری هستند. اما منابعی، منفعل هستند. در مقابل، منابع انسانی، فعال و محرک همه‌ی فعالیت‌های انسانی هستند» (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۱). که در کل، منجر به رونق تولید و رفاه انسان‌ها می‌شوند. مسئولین جوامع مختلف به جهت نیازی که به مهارت و توانمندی در عرصه‌های تولید دارند می‌باید در آموزش مدیران و نیروی کار به صورت هدفمند اقدام نمایند. همچنان که قرآن کریم می‌فرماید: «و ما به داود صنعت زره ساختن برای شما آموختیم تا شما را از زخم شمشیر و آزار یکدیگر محفوظ دارد» (انبیاء، ۸۰). همان‌طور که ملاحظه می‌کنید خداوند متعال در این آیه به صورت هدفمند، تولید زره را به پیامبر خود آموزش داده است؛ لذا یکی از الزامات رونق تولید، آموزش و مهارت‌افزایی است.

از طرفی امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «کسی که بدون آموزش فقه اسلامی، تجارت کند به رباخواری آلوده شود» (دشتی، ۱۳۷۷، ج ۴۴۷). «امام (ع) در اینجا به تجار هشدار می‌دهد که احکام فقه اسلامی را مخصوصاً در مسائل مربوط به ربا فرایگیرند تا گرفتار رباخواری نشوند. روشن است که ورود در هر کاری بدون آگاهی از مسائل مربوط به آن، مشکل‌آفرین است به خصوص ورود در تجارت با عدم آگاهی از فقه اسلامی، انسان را گرفتار معاملات حرام و اعمال نامشروع می‌کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۵، ۵۳۸). لذا به نظر می‌رسد مدیران و تولیدکنندگان - قبل از انجام هر نوع کار تولیدی که اقدام اولیه‌ی آن خرید وسایل و تجهیزات و مواد اولیه‌ی تولید می‌باشد- لازم است آموزش‌های لازم را گذرانده باشند تا با عدم آگاهی، خود و جامعه را در ورطه‌ی

انحراف و انحطاط نیندازند؛ در غیر این صورت نباید در تولید، انتظار رونق داشت. هم‌چنین، امام علی (ع) می‌فرماید: «شتاب پیش از توانایی بر کار، و سستی پس از به دست آوردن فرصت از بی‌خردی است» (دشتی، ۱۳۷۷، ح ۳۶۳). امام (ع) عجله در انجام کار، قبل از توانمندی انجام آن را از نشانه‌های بی‌خردی و نادانی بیان فرموده‌اند. لذا یکی از پیش‌نیازهای اصلی توانمندی، داشتن علم و دانش مربوط به آن کار می‌باشد و این مفسر نخواهد شد جز با یادگیری و مهارت‌افزایی؛ پس تولیدکنندگان و کارگران باید بدانند که در راستای کارهای تولیدی نیز باید دوره‌های مخصوص را گذرانده و سپس به انجام آن کار اقدام نمایند تا در مسیر تولید، متحمل ضرر و انحراف در تولید نشوند.

نتیجه‌گیری

در اسلام، رونق تولید اقتصادی در ابعاد و زمینه‌های مختلفی حائز اهمیت بوده و همان‌طور که قرآن نیز درباره تولید و رونق آن سخن گفته است می‌تواند نسخه کارآمدی برای حل و رفع آسیب‌پذیری‌های اقتصادی کشور و استحکام یافتن آن باشد. آیات و روایت قرآن، با سفارش انسان به تصرف صحیح و بهره‌مندی از برکات و نعمت‌های الهی و تأکید بر نامحدود بودن و کفایت منابع و تضمین روزی آفریدگان، از انسان خواسته است تا با اهتمام به تولید، نیازهای جامعه برآورده سازد. در واقع ارزشمندی تولید، یک اصل مهم قرآنی، در آیات عدیده‌ای بیان شده و خدای منان، با ترغیب بشر به آبادانی زمین، تصرف در نعمت‌های خدادادی، فراهم‌سازی زمینه تولید و دستور به آمادگی کامل که لازمه آن، تولید تجهیزات موردنیاز است جایگاه برجسته تولید در فرهنگ قرآنی را معرفی می‌کند. از دیدگاه حضرت علی (ع)، باید مال دنیا هزینه آبادانی زمین شود و آن را از اهداف حکومت صالحان برمی‌شمارد و خود آن حضرت، هم این مدعا را در عمل ثابت می‌کنند که قنات‌های حفر شده آن حضرت شاهد این مدعا است. مهم‌ترین سازوکارهای تولید و اشتغال از منظر فقهی، عبارت‌اند از: ۱- منابع طبیعی (زمین)؛ منابعی مثل زمین‌های مزروعی، جنگل‌ها، معدن، آب‌هایی که در آن ماهیگیری ممکن می‌باشد و موارد دیگر که در اقتصاد آن‌ها را به نام زمین می‌شناسند. ۲- منابع انسانی (نیروی کار)؛ اعم از فکری و جسمی که ممکن است اکتسابی یا ذاتی باشد و در اقتصاد آن را کار می‌نامند. مقصود ما از کار، کوشش بشری برای تولید کالا است. ۳- مدیریت تولید؛ غالباً علاوه بر عامل گفته‌شده عامل چهارمی به نام مدیریت همراه با پذیرش ریسک اضافه می‌شود. تولید کالا و خدماتی که نیازهای جامعه را برآورده می‌سازند، حتی در بدوی‌ترین شکل تولید کالا نهایتاً با استفاده از هر چهار نوع منابع فوق ممکن می‌گردد و همکاری عوامل تولید موردنیاز بوده است.

برای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان توجه به اقتصاد به‌عنوان یک علم، تأکید بر تولید دانش و به‌کارگیری نیروهای متخصص لازم و ضروری است. آنجا که خداوند می‌فرماید زمین را برای شما مسخر کرده‌ایم می‌تواند به همین معنا باشد که دانش و علم را باید کسب کرد و در سایه علم عمل را به معرصه ظهور آورد تا قدرت و اقتدار دینی سبب رونق اقتصادی شود.

حضور اقتصاد دانش‌بنیان ملی در بازارهای صادراتی، جهان از یک طرف از محدودیت‌های کمتری در صحنه رقابتی برخوردار است و از سوی دیگر با ایجاد نوعی وابستگی اقتصادی در کشور مقصد برای تولیدات متکی به دانش از فشار تحریم‌ها و بی‌ثباتی‌های اقتصاد بین‌الملل دور می‌ماند.

منابع

فارسی

۱. ابراهیمی، علیرضا و همکاران، مدیریت تحریم و بهره‌برداری از آن به‌عنوان یک فرصت، (مجموعه مقالات همایش‌های آسیب‌ها و فرصت‌های تحریم اقتصادی)، چاپ اول، اراک، نشر دانشگاه آزاد اسلامی اراک، ۱۳۹۱.
۲. اصغری، محمود، اقتصاد مقاومتی، «گفتمان راهبرد تولید ثروت در بستر نظام دینی از منظر رهبری (دام‌زله)»، نشریه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره چهارم، ۱۳۹۵.
۳. ایزد خواه، روح‌الله، «مدیریت دانش و الگوی جهادی دو راهکار، سعی برای مقابله با تحریم‌ها»، نشر سایت رشد و کارآفرینی، ۱۳۹۱.
۴. بروجنی، فرشید، جایگاه عوامل فرهنگی در توسعه اقتصادی، چاپ اول، تهران، مرکز آمار، ۱۳۷۱.
۵. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، نظام اقتصاد اسلامی (مقالات سمینار بین‌المللی اقتصاد اسلامی دانشگاه الزهراء)، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.
۶. جمعی از نویسندگان، رونق تولید (کلید حل مشکلات اقتصادی)، چاپ اول، تهران، نشر سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح (انتشارات دفاع)، ۱۳۹۸.
۷. حبیبی، محمد، خصائص مدیران فرهنگی، چاپ اول، تهران، انتشارات تبیان، ۱۳۸۸.
۸. حبیبی، نیک، بخش، نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت ملی (اصول و مؤلفه‌ها)، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی (انتشارات دعا)، ۱۳۹۴.

۹. حریری، محمد یوسف، اسلام و نظام‌های اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۲
۱۰. دشتی، محمد، نهج البلاغه، چاپ دوم، تهران، نشر پیام آزادی، ۱۳۷۷.
۱۱. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۳.
۱۲. دیزجی منیره، دانشور سهند، «تعیین جایگاه ایران در زمینه اقتصاد دانش بنیان در میان کشورهای منتخب»، مجله مدیریت و بهره‌وری، شماره بیست و دوم، ۱۳۹۱.
۱۳. سجادی، محمدهادی، «رویکردی به شایسته‌سالاری در گزینش کارگزاران»، مجله طبوبی، شماره پنجم، ۱۳۸۵.
۱۴. شاکری، عباس، مالکی امین، «آزمون رابطه رشد صادرات غیرنفتی و رشد اقتصادی در ایران»، نشریه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره پنجاه و ششم، ۱۳۸۹.
۱۵. شریف، نواز، مدیریت انتقال تکنولوژی و توسعه، چاپ اول، تهران، نشر برنامه‌بودجه، ۱۳۶۷.
۱۶. صدر، سید محمدباقر، اقتصاد ما (یا بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام)، جلد اول، چاپ اول، انتشارات برهان و مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۳۵۰
۱۷. طبیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، جلد شانزدهم، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۸. عظیمی، حسین، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۷۱.
۱۹. عظیمی، ناصر؛ برخوردار، علی؛ دورباش، سجاد، شناسایی بنیان‌های اقتصاد دانش بنیان، چاپ اول، تهران، نشر مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، ۱۳۸۹.
۲۰. عمار لو، محسن؛ روحانی، محمدجعفر؛ «اقتصاد دانش بنیان؛ بررسی اهمیت و نقش آن در تحقق اقتصاد مقاومتی و اشتغال پایدار»، مجله کار و جامعه، شماره دویست و نوزدهم، ۱۳۹۷.
۲۱. فخاری، حسین؛ سلیمانی، داود، «بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر شرکت‌های دانش بنیان کشور»، فصلنامه سیایت علم و فن آوری، شماره سوم، ۱۳۹۲.
۲۲. فوراستیه، ژان، اقتصاد کار یا چرا کار کنیم، چاپ اول، تهران، نشر مروارید، ۱۳۵۵.
۲۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، جلد نهم و دهم، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷.

۲۴. کاظمی، ملیحه سادات و همکاران، «رابطه ارزش‌ها و شخصیت مدیران با شایسته‌سالاری (مشارکت شهروندی و بیگانگی سازمانی در سازمان‌های دیوان‌سالار و سنتی)»، نشریه روان‌شناسی کاربردی، شماره هجدهم، ۱۳۹۰.
۲۵. کوثری، فاطمه؛ طالب بیدختی، عباس؛ سلطانی، حسن، «نقش تسهیم، دانش توانمندسازی کارکنان و شرکت‌های دانش‌بنیان در مقاومتی»، دومین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم، بابل‌سر شرکت پژوهشی طرود شمال، ۱۳۹۳.
۲۶. گلکار، بهزاد؛ ناصحی فر، وحید؛ «مروری بر مفاهیم شایسته‌سالاری»، مجله توسعه مدیریت، شماره سی و نهم، ۱۳۸۱.
۲۷. مقیمی، سید محمد، سازمان و مدیریت، رویکردی پژوهشی، چاپ سوم، تهران، انتشارات ترمه، ۱۳۸۸.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، جلد شانزدهم و جلد سوم، چاپ هفتم، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد بیست و سوم و نهم، چاپ چهل و یکم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، چاپ سی و دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵.
۳۱. میر معزی، سید حسین، مبانی نظام اقتصادی اسلام (اهداف و اصول راهبردی و اخلاقی)، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹.
۳۲. میر جلیلی، علی محمد؛ یوسفی، سمیه، «اولویت‌های تولید از دیدگاه اسلام»، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره صد و یکم، ۱۳۹۳.
۳۳. ناظم‌ان، حمید؛ اسلامی فر، علیرضا، «اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه پایدار (طراحی و آزمون یک مدل تحلیلی با داده‌های جهانی)»، نشریه دانش و توسعه، شماره سی و سوم، ۱۳۸۹.
۳۴. نصر اصفهانی، مهدی؛ نصر اصفهانی، علی، «شایسته‌سالاری در مدیریت جامعه با تأکید بر اندیشه‌های سیاسی امام علی»، مجله معرفت سیاسی، شماره هفتم، ۱۳۸۹.
۳۵. نمازی، حسین، نظام‌های اقتصادی، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی،

۳۶. وفایی یگانه، رضا؛ عاقلی، لطف علی، «آسیب شناسی فرهنگ تولید در اسلام و تجارب جمهوری اسلامی ایران، مجله مهندسی فرهنگی، شماره چهاردهم، ۱۳۸۶.

عربی

۱. آمدی، ابوالفتح، غررالحکم و درر الکلم، جلد هفتاد و پنج، قم دارالکتب اسلامی، ۱۴۲۹.
۲. جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح الحیاء، چاپ هفتم، قم، مرکز نشر اسراء، بهار ۱۳۹۱
۳. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، جلد یازدهم، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۴. طبرسی، تفسیر مجمع البیان، جلد پنجم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵.
۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۷.
۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، جلد دوم، قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۳۶۷.
۷. مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، جلد چهارم، قم، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶.

لاتین

1. Cooke, P., & Leydesdorff, L. "Regional development in the knowledgebased economy: the construction of advantages". Journal of Technology Transfer, 31(1), pp. 5-15, (2005).
2. Leydesdorff, L. "The Knowledge- Based Economy and the Triple Helix Model", (Annual Review of Information Science and Technology 44, 2010, pp. 367-417.
3. Leydesdorff, L., & Etzkowitz, H. "Can "the Public" Be Considered as a Fourth Helix in University-IndustryGovernment Relations?", Report of the Fourth Triple Helix Conference. Science & Public Policy, 30(1),2003, pp. 55-61.
4. OECD. "The Knowledge-Based Economy". Paris, OECD, (1996a)